

اروپا باید مجدداً مسلح شود

فیلیپ لگرین

مشاور سابق رئیس
کمیسیون اروپا

خطر رو به رشد بازگشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به قدرت و تهدیدهای او در خصوص خروج ایالات متحده از پیمان ناتو، باید به مانند یک زنگ بیدارباش برای اروپایی‌ها باشد. کشورهای اروپایی به جای امید بستن به بهترین سناریوها باید نیروی نظامی خود را تقویت کرده و با افزایش هزینه‌ها در این حوزه یک اتحاد دفاعی ایجاد کنند. پیروزی احتمالی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری و بازگشت او به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ تهدید بزرگی برای امنیت اروپا به حساب می‌آید. با توجه به جنگی که در اوکراین جریان دارد، کشورهای اروپایی پیش از اینکه خیلی دیر شود باید اطمینان یابند توانایی دفاع از خود را در مقابل تهاجم احتمالی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه‌دارا هستند. چشم‌انداز روی کار آمدن یک ترامپ ناخوددار و آنگاه که از کنار گذاشتن تعهد ایالات متحده به حفظ امنیت اروپا سخن می‌گوید تا اندازه‌ای برای اروپایی‌ها نگران‌کننده است که به نظر می‌رسد آن‌ها نمی‌توانند این مسئله را انکار کنند. پس از پیروزی ترامپ در رقابت‌های انتخابات مقدماتی در ایالت آیووا و نیوهامپشایر، ترامپ مسیر سختی برای تبدیل شدن به کاندیدای نهایی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ پیش روی خود ندارد. از سوی دیگر، نتایج نظرسنجی‌ها در ایالت‌هایی که رقابت در آن‌ها نزدیک است و نتیجه نهایی انتخابات به آن‌ها بستگی دارد، نشان می‌دهد شکست خوردن بایدن و پیروزی ترامپ یک خطر واقعی است.

در طول دور اول ریاست‌جمهوری، ترامپ بارها کشورهای اروپایی و سایر متحدان آمریکا را به خروج از ناتو تهدید کرد. او توسط برخی مشاوران ارشد خود در حوزه سیاست خارجی قانع شد که دیگر این تهدید را تکرار نکنند، اما رویکرد فعلی ترامپ نشان می‌دهد در صورتی که او دوباره به قدرت برسد، به جای سیاستمداران با تجربه و حرفه‌ای، به‌لقب‌بران‌گوها را در اطراف خود جمع خواهد کرد. هر چند برخی استدلال می‌کنند که خروج آمریکا از ناتو نیاز به تأیید کنگره دارد و کنگره چنین تصمیمی را تأیید نخواهد کرد اما واقعیت این است که ترامپ می‌تواند بدون خروج رسمی از این ائتلاف، عمل به تعهداتش در دفاع از کشورهای اروپایی را به کلی کنار بگذارد. او البته به همین مسئله که «آمریکا برای دفاع از یک کشور اروپایی» که تحت حمله روسیه قرار گرفته «به میدان نخواهد آمد» اکتفا نکرده بلکه اکنون در کارزارهای انتخاباتی خود می‌گوید روسیه را «اتسویق» خواهد کرد که «هر غلطی می‌خواهد با آن‌ها بکنند، اگر حاضر نباشند به اندازه کافی صرف هزینه‌های دفاعی کنند. کشورهای اروپایی نیاز است که به جای دل بستن به وقوع بهترین سناریوی ممکن یعنی پیروزی بایدن و تداوم روند حمایت آمریکا از اوکراین و اجرایی شدن تعهدات واشنگتن در راستای امنیت اروپا، خود را آماده وقوع بدترین سناریو کنند. به‌طور ایده‌آل، این آماده‌سازی باید از مدت‌ها قبل آغاز می‌شد؛ از زمان اشغال شبه‌جزیره کریمه توسط پوتین در سال ۲۰۱۴ یا دست‌کم پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶. اگر ایده تشکیل اتحادیه دفاعی برای اروپا یک دهه قبل مطرح شده بود و مورد توجه قرار می‌گرفت، اکنون اروپایی‌ها می‌توانستند از وجود چنین اتحادی بهره‌مند باشند. در شرایطی که نمی‌توان زمان را به عقب بازگرداند، حرکت نکردن در مسیر آماده‌سازی برای بدترین سناریوها یک بی‌مسئولیتی واقعی خواهد بود.

برای شروع، اروپا باید تلاش‌ها برای حمایت از اوکراین را تقویت کند. با حضور جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان، اجازه افزایش ۶۰ میلیارد دلاری حمایت‌های آمریکا از اوکراین به بایدن داده نشده و اوکراین با کمبود سلاح و تجهیزات در میدان نبرد مواجه است. خوشبختانه اروپا اخیراً توانست بسته ۵۴ میلیارد دلاری حمایت از اوکراین را تصویب کند اما باید اروپا برای مدت‌زمان طولانی‌تری حمایت از اوکراین را تضمین کند؛ حتی اگر مخالفانی مانند ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان مانع این امر هستند باید ۲۶ کشور دیگر در تصمیمی جمعی از این مانع عبور کنند و به تجهیز اوکراین با آنچه این کشور نیاز دارد بپردازند. روشن است که اگر روسیه در اوکراین شکست نخورد، پوتین حمله به دیگر کشورهای اروپایی را نیز در دستور کار قرار خواهد داد. مسکو هم‌زمان با حمایت از احزاب راست و چپ افراطی در کشورهای اروپایی به تضعیف آن‌ها از درون می‌پردازد و هرکدام روسی نیز زیرساخت‌های اروپا را هدف قرار می‌دهند. در این شرایط گام بعدی باید افزایش قابل توجه بودجه نظامی و تقویت توان دفاعی هر کدام از کشورها باشد. از دیگر تبعات منفی نبود چتر امنیت هسته‌ای آمریکا به معنای آن است که در اروپا (که فقط دو کشور فرانسه و بریتانیا از سلاح هسته‌ای برخوردارند) تعدادی از کشورها به فکر توسعه سلاح هسته‌ای و تأمین امنیت خود خواهند بود.



بوداپست به «مکه» باورمندان به سیاست‌های راست افراطی تبدیل شده است. مجارستان به معنای واقعی کلمه بک کشور ضد داووس است و پایتختش مکانی است که در آن ناسیونالیست‌های محافظه‌کار از سراسر جهان گرد هم می‌آیند تا ایده‌ها و نوشته‌هایشان را در مورد چگونگی شکست لیبرالیسم بین‌المللی با هم به اشتراک بگذارند. در حال حاضر، پایتخت مجارستان در قلب یک جنبش جهانی برای ابداع مجدد سیاست جناح راست قرار دارد. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان از سال ۲۰۱۰، یکی از حامیان اصلی «محافظه‌کاری ملی‌گرایانه» است که به‌تازگی در بسیاری از نقاط جهان رو به رشد است. بلاش اوربان، رئیس دفتر سیاسی نخست‌وزیر مجارستان می‌گوید: «مجارستان با صراحت و با صدای بلند برخی از مفاهیم را بر ضد سیاست‌های مهاجرت، در مورد نقش خانواده، در مورد جنسیت و در مورد نقش حاکمیت ملی بر زبان می‌آورد.»

دولت مجارستان زمان و هزینه زیادی را صرف تبلیغ این ایدئولوژی کرده است. مؤسسات و اندیشکده‌های تحت حمایت دولت مجارستان، روابط گرمی با گروه‌های راست‌گرای آمریکایی ایجاد کرده‌اند که سیاست‌های دونالد ترامپ را تبلیغ می‌کنند. در کنفرانس‌هایی که در مجارستان برگزار می‌شود، چهره‌های برجسته محافظه‌کار ملی‌گرا از سراسر جهان گرد هم می‌آیند. در نگاه اول، اینطور به نظر می‌رسد که این فتنه‌ها بسیار بدیهی به نظر می‌رسد: اصلی‌ترین وجه مشترک اوربان، ترامپ و جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، گرایش به مخالفت با چپ‌گرایی، مهاجرت و نهادهای بین‌المللی است.

اما فقط به این دلیل که این شبکه صرفاً سازه‌ماندهی شده و چندان ارگانیک نیست، موجب نمی‌شود که فکر کنیم بی‌معنا است و راه به جایی نخواهد برد. این جنبش در سطح قدرت سیاسی، به‌طرز خارق‌العاده‌ای خوب عمل کرده است. حزب جمهوری خواه توسط دونالد ترامپ و جماعتی که شعار «اول آمریکا» سر می‌دهند، تسخیر شده است. در سراسر اروپا، احزاب محافظه‌کار ملی‌گرا در حال افزایش قدرت هستند.

جورجیا ملونی که رهبری حزب برادران ایتالیا را برعهده دارد و از تبار هواداران موسولینی است، در سال ۲۰۲۲ قدرت را به دست گرفت. از پنج کشور بر جمعیت اتحادیه اروپا (آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و لهستان) چهار کشور یا احزاب راست‌افراطی در دولت دارند و یا اینکه این احزاب در انتخابات حدود ۲۰ درصد آرا را به خود اختصاص داده‌اند. پوپولیست‌های راست‌گرا نظیر دموکرات‌های سوئد و حزب فنلاندی‌ها، که زمانی از ائتلاف‌های حکومتی کنار گذاشته شدند، حالا انقدر محبوب شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را به حاشیه راند. مذاکرات برای تشکیل دولت ائتلافی در هلند هنوز می‌تواند خیرت ویلدرس، رهبر حزب آزادی را که یک حزب محافظه‌کار ملی‌گرا است، به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب کند. مارین لوین، رهبر راست‌گرایان فرانسه، در نظرسنجی‌های اولیه برای انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی که در سال ۲۰۲۷ برگزار می‌شود، پیشتاز است.

این شکل جدید محافظه‌کاری نشان‌دهنده انحراف رادیکال از نوعی محافظه‌کاری است که در دوران رونالد ریگان و مارگارت تاچر غالب بود. این نوع محافظه‌کاری جدید، به‌جای خوش‌بینی و تبعیت از نوع نگاهی که امثال ریگان به آمریکا داشتند که این کشور را «شهری در خشان روی تپه» توصیف می‌کردند، حالا آمریکا را در حال افول توصیف کرده و وضعیت را افتضاح به حساب می‌آورد. به‌جای انترناسیونالیسم قدرتمند، حالاتردید عمیق نسبت به جنگ‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی از سوی این محافظه‌کاران جدید، در حال شیوع است. سیاست اقتصادی این محافظه‌کاران جدید نیز بسیار بیشتر با سبک تفکر چپ هماهنگ است چراکه به شرکت‌های بزرگ تجاری بدبین است، تمایل دارد به سمت ایجاد یک دولت رفاهی بزرگ پیش برود، نگران مشکلات طبقه کارگر است و به شدت تمایل دارد از صنعت و مشاغل داخلی از طریق سیاست‌های خاص، حمایت کند.

▼ زمان بسیار مناسب است

طرفداران محافظه‌کاری ملی‌گرایانه استدلال می‌کنند که انتخابات‌هایی که امسال در سراسر جهان برگزار می‌شود، این تفکر را به‌عنوان ایدئولوژی راست‌گرای مسلط بر غرب تثبیت می‌کند و هر تصویری را مبنی بر اینکه این ایده فقط یک جرقه است، از بین می‌برد. استیو بنی می‌گوید: «درست مانند ژوئن سال ۲۰۱۶ که رأی برگزیت بر پیروزی ترامپ در انتخابات نوامبر سایه انداخت، فکر می‌کنم این بار شما شاهد انتخابات پارلمانی اروپا در ژوئن سال جاری خواهید بود که یک پیروزی گسترده برای جنبش پوپولیستی در ایالات متحده است.» «بن» که مشاور سابق آقای ترامپ بوده، سال‌ها تلاش کرده تفکرات پوپولیستی را تبلیغ کند. او می‌گوید: «رئیس‌جمهور ترامپ رهبر ما در این جنبش است، اما این جنبش برای همیشه ماندگار است. جنبش اکنون در مرحله ایجاد نهادهای است. جنبش از بین نمی‌رود بلکه فقط قدرتمندتر و بزرگتر می‌شود.»

یورام هازونی، یک آمریکایی-اسرائیلی که مجموعه‌ای از کنفرانس‌ها با نام «NatCon» را با هدف گرد هم آوردن چهره‌های جنبش در سراسر جهان برگزار می‌کند، می‌گوید: «برخی موضوعات نظیر مهاجرت، دشمنی با آنچه که ما گسترش جنگ می‌نامیم و این مسئله که بازار آزاد به ساختار اجتماعی کشور ضربه زده، وجه تمایز محافظه‌کاری ملی‌گرایانه از لیبرالیسم نوحافظه‌کارانه و لیبرترین هستند.» علاوه بر این، «بسیاری از ملی‌گرایان واقعاً احساس می‌کنند چیزی شبیه نئومارکسیست‌ها بر مؤسسات آموزشی و بوروکراسی‌ها مسلط شده‌اند.» آقای هازونی در کتاب خود به نام «فضیلت ناسیونالیسم» با اصول لیبرالیسم که توسط ژان ژاک روسو و جان لاک بسط داده شد، وارد چالش می‌شود. او می‌گوید: «نظریه

کمپ ملی‌گرایان در سراسر جهان به رغم تفاوت‌های

محافظه‌کاران ملی

بودجه دولت مجارستان را، هر چند غیرمستقیم، دریافت می‌کند، برگزار می‌شود. انتظار می‌رود آقای خیرت ویلدرس در کنفرانس امسال سخنرانی کند.

محافظه‌کاری ملی‌گرایانه در مجارستان به یک پروژه دولتی تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۰، پارلمان مجارستان سهام شرکت‌های دولتی به ارزش ۱/۷ میلیارد دلار را به بنیاد ماتیناس کورونوس کالژنوم (MCC) اهدا کرد. این بنیاد، جوانان با استعداد مجارستانی را با هزینه اندک، اما با گرایش ملی‌گرایانه مشخص آموزش می‌دهد. این کمک مالی، به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی مجارستان، بیشتر از مجموع موقوفات دانشگاه‌های هاروارد، ییل، استنفورد و پرینستون در مقایسه با بزرگی اقتصاد آمریکا است. کیم لین شیل از دانشگاه پرینستون، MCC را «کمپ آموزشی اوربان» می‌داند که از طریق آن «برنامه آموزشی خود را گسترش می‌دهد تا متحدان راست‌گرا از کشورهای دیگر را نیز جذب کند.» البته مدیریت این بنیاد این ایده را که این بنیاد برای تبلیغ راست‌گرایی فعالیت می‌کند، رد کرده است. زولتان زالای، مدیرکل این بنیاد که سردبیر هفته‌نامه حامی دولت به نام «ماندین» نیز هست، می‌گوید: «هدف اصلی یافتن با استعدادترین افراد است. آقای اوربان، رئیس دفتر سیاسی نخست‌وزیر، رئیس هیئت‌مدیره است.»

MCC در مجارستان، رومانی و اسلواکی شعبه دارد. به‌تازگی نیز مرکزی را در بروکسل افتتاح کرده است که از ایده اروپایی «دولت‌های مستقل» و «مرزهای غیرقابل عبور» حمایت می‌کند. فعالیت‌های این نهاد «علیه جنگ فرهنگی» و «قید و بندهای زیست محیطی» فعال است. این بنیاد همچنین پایگاه‌هایی را در برلین و وین ایجاد کرده و قصد دارد این کار را در بریتانیا نیز انجام دهد. دولت مجارستان همچنین به اندیشکده‌های محافظه‌کار کمک مالی می‌کند. این پول ابتدا به بنیادی هدایت می‌شود و سپس از آنجا در اندیشکده‌هایی مانند مرکز حقوق اساسی، حامی مشترک CPAC مجارستان و مؤسسه دانوب، که به روشنفکران محافظه‌کار خارجی کمک‌هزینه می‌دهد، توزیع می‌شود. همین بنیاد برای دو نشریه انگلیسی‌زبان، «محافظه‌کاران اروپایی» و «محافظه‌کاران مجارستانی» کمک‌هزینه می‌دهد. ایستوان کیس، مدیر اجرایی مؤسسه دانوب، می‌گوید که هدف این مؤسسه این است که «نوعی حلقه وصل بین منطقه ما و کشورهای انگلیسی‌زبان» باشد. جان او سالیوان، رئیس مؤسسه دانوب، نویسنده متون سخنرانی مارگارت

سیاسی آنها دنیای رویایی و یک چشم‌انداز آرمان‌شهری تحت سلطه نهادهای سیاسی را تصویر می‌کند که در آن نهادهای سیاسی یهودی و مسیحی اعم از دولت ملی، جامعه، خانواده و مذهب، ذیلی برای وجود ندارند.»

یکی دیگر از متفکران تأثیرگذار محافظه‌کاری ملی‌گرایانه، پاتریک دنین در دانشگاه نوتردام است که استدلال می‌کند نخبگان کنونی باید با «طبقه بهتری از اشراف که توسط یک پوپولیسم قدرتمند ایجاد شده‌اند» جایگزین شوند و این اشراف از قدرت دولتی برای پیشبرد «خبر عمومی» استفاده کنند. آقای دنین در کتابی که در سال ۲۰۲۳ به نام «تغییر رژیم» منتشر شد، این منفعت مشترک را «ادغام» نام نهاد. هر چند نظرات او همچنان مبهم هستند اما به نظر می‌رسد که در نهایت او از ادغام مجدد کلیسا و دولت سخن می‌گوید.

▼ عقل سلیم

این روشنفکران و سیاستمداران همفکر به‌طور فعال در حال ایجاد روابط متنوع و گسترده هستند. شرکت‌کنندگان قبلی در گردهمایی «NatCon» شامل آقای اوربان، خانم ملونی و چهره‌های برجسته راست‌گرای آمریکا، از جمله ران دیسانتیس، فرماندار فلوریدا و جاش هاوولی و جی دی‌ونس، هستند. در واشنگتن، اندیشکده‌های محافظه‌کار مانند بنیاد هریتیج روند فعالیت خود را با زنگری کرده و به سمت محافظه‌کاری ملی‌گرایانه تغییر جهت داده‌اند. کوین رابرتز، رئیس بنیاد هریتیج، در سخنرانی خود در NatCon در لندن در ماه مه اعلام کرد: «این محافظه‌کاری ملی‌گرایانه که نه تشکیل‌دهنده ابرشرکت‌محور است و نه سکولار و نئولیبرال، عیار جدیدی از تاجریسم و ریگالیسم را در قرن بیست‌ویکم به نمایش می‌گذارد.» در ۱۳ فوریه، یکی از معماران پروژه هریتیج ۲۰۲۵، که طرحی دقیق برای خنثی و تخریب کردن دولت پنهان در دومین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ است، وارد بوداپست شد تا یافته‌های خود را در رویدادی به میزبانی یک اتاق فکر تحت حمایت دولت ارائه دهد. رویداد CPAC، که یک نشست سالانه راست‌گرایان آمریکایی در دالاس است، در سال ۲۰۲۲ از اوربان برای سخنرانی دعوت کرد. اوربان در سخنرانی خود با خوشحالی گفت: «گلوبالیست‌ها همه می‌توانند بروند به جهنم؛ من به تگزاس آمده‌ام.» CPAC برگزار می‌کند کنفرانس‌های سالانه در مجارستان را نیز آغاز کرده است. این کنفرانس با حمایت مشترک مرکز حقوق اساسی، اتاق فکری که



این شکل جدید محافظه‌کاری

نشان‌دهنده انحراف

رادیکال از نوعی

محافظه‌کاری است

که در دوران رونالد

ریگان و مارگارت

تاچر غالب بود. این

نوع محافظه‌کاری

جدید، به جای

خوش‌بینی و تبعیت

از نوع نگاهی که

امثال ریگان به

آمریکا داشتند که

این کشور را «شهری

درخشان روی تپه»

توصیف می‌کردند،

حالا آمریکا را در حال

افول توصیف کرده و

وضعیت را افتضاح به

حساب می‌آورد

